

سرمایه‌داری گاوچران

بحران اقتصادی دو هزار و ده
زمینه‌های شکل‌گیری و تأثیرات جهانی

انتشارات تعالی اندیشه | نام کتب: سرایه‌داران گاوچرانی | ترجمه و تدوین: محمدرضا محمدخانی (امینی) -
محمدرضا طایفه - بهزاد منصوری | ابراهیم جونیف، م و صفحه‌آرایی: حسین کریم‌زاده | ناظر چاپ:
مژده مکلاپی | شابک: ۲-۰۰-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸ | شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه | نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴
بها: ۲۴۰۰۰ تومان | حقوق چاپ: نشر، محفوظ و متعلق به ناشر است.
آدرس: تهران - خیابان سعدی جنوبی - نبش مخابرات دوله - پلاک ۲ - طبقه ۵
تلفن و نمابر: ۸۸۹۹۶۴۳۲ | وبگاه: www.tapbook.ir | است: taali.andisheh@publicist.com | است: www.tapbook.ir



اشاره: بحران اقتصادی آمریکا به از یک دهه پیش آغاز شده و در سال دو هزار و ده میلادی به اوج خود رسید. نمایش بیرونی تزلزلی بود که در بنیان‌های اقتصادی غرب از ابتدای شکل‌گیری و تکوین آن وجود داشت. تزلزلی که همه اندامان اقتصاددان جهان را در طول قرن حاضر نگران خود کرده بود و همیشه این انتظار وجود داشت که یک‌تک، مهم بتواند طومار این اقتصاد کج‌بنیاد را در هم پیچیده و شاکله سرمایه‌داری را به فروپاشی نزدیک کند. آنچه اتفاقی که در دهه‌های مختلف عمر اقتصاد غرب به وقوع پیوست با تلاش یکپارچه و متحد غرب و توانست فروپاشی نهایی را شکل بدهد و هر بار با افزونه‌ها و نگهدارنده‌های موقت حصارهایی برای نگهداشت ساختار اقتصادی ایجاد گردید. حصارهایی که ماهیت آن ایجاب می‌کرد گزاره‌های خدامحور مانند ایمان و اخلاق به گزاره‌های انسان‌محور مانند اصالت بازار تبدیل یابد. مجموعه مقالات حاضر از رسانه‌های مهم غرب در دوره اوج بحران ترجمه شده و علاوه بر نکاتی که مربوط به وقایع دوره مذکور است حاوی اطلاعات مهمی در خصوص نحوه برخورد و رویارویی غرب و ساختارهای اقتصادی آن با این بحران و تلاش‌های یکپارچه غرب برای به تعویق انداختن فروپاشی می‌باشد.

فهرست

- ۱۱ | پیشگفتار
- ۱۵ | فصل یک: کجای کار اشتباه بود؟
- ۱۷ | بخش یک: زمینه‌های بحران
- ۱۹ | سرمایه‌داری گاوچرانی
- ۲۳ | معلمی تمام شد
- ۲۷ | چهارگام حل بحران
- ۳۱ | دوستم داشته باش، دوستم نداشته باش
- ۳۵ | بازگشت کینز

- ۳۹ | کجای کار اقتصاد اشتباه بود؟
- ۴۳ | در داخل کینز، در خارج آدام اسمیت
- ۴۷ | بخش دو: فرایند شکل‌گیری بحران
- ۴۹ | نتایج و آثار دورویی
- ۵۱ | لرزش اقتصاد جهانی
- ۵۹ | رابطه بین حجم دولت و بحران‌های مالی
- ۶۳ | پایان عصر اقتدار
- ۶۷ | نقش بانکی از دنیای ثروتمند در رکود است
- ۶۹ | طغیون بانکی
- ۷۵ | فصل دو: اقتصاد لاین
- ۷۷ | بخش یک: واقعیت‌های بحران
- ۷۹ | انحصار در دیترویت
- ۸۳ | بدهکارترین مردم دنیا
- ۸۷ | نوبت بعدی به چه کسی خواهد رسید؟
- ۹۳ | رکود در دنیای ثروتمند
- ۹۵ | سال تسویه حساب
- ۹۹ | سرآشینی سقوط
- ۱۰۳ | در مسیر استقلال منابع
- ۱۰۵ | فاجعه بزرگی
- ۱۱۳ | عامل عقب‌گرد
- ۱۱۷ | «تورم منفی»: بلای جان اقتصاد آمریکا
- ۱۱۹ | مناقشه‌ای مناقشه‌برانگیز
- ۱۲۳ | بخش دو: تلاش‌هایی برای مهار بحران
- ۱۲۵ | این پیشنهاد چیست؟
- ۱۲۹ | اقتصاد اوپاما

۱۳۱ | احیای بازارهای ضمنی.. اولین گام

۱۳۳ | دیگر قابل چشم‌پوشی نیست

۱۳۵ | فصل سه: سایه رکود

۱۳۷ | هنوز گرسنه است

۱۴۱ | کانون بحران

۱۴۵ | مدیریت آمریکایی

۱۴۹ | تصمیم‌های جدید

۱۵۱ | چه می‌شد کرد؟

۱۵۷ | توان

۱۶۱ | نگرانی‌ها، عمیق‌تر

۱۶۷ | زوال مدل اقتصاد برای

۱۷۱ | منافع رکود

۱۷۵ | سفرهای دیپلماتیک برای نجات

۱۷۹ | پایان عصر طلایی

۱۸۳ | کانال سوئز و تلاش برای بقا

۱۸۷ | رونق نه چندان چشمگیر

۱۹۱ | شکست‌های تجاری

۱۹۳ | نسل آینده ابزارهای مالی اسلامی

۱۹۹ | شناسنامه بانک‌داری اسلامی

۲۰۵ | موفقیت مدل اقتصاد اسلامی

۲۰۹ | تغییر دیدگاه

۲۱۱ | توهم اقتصادی

۲۱۳ | صدور حیات به اقتصاد جهان

۲۱۵ | موفق‌ترین بازمانده

۲۲۵ | بحران اعتبار

الف

پیشگفتار

| ۱ |

وضعیت اقتصادی غرب بحرانی است. پس از ورشکستگی بیشتر بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی آمریکا، بانک موج دوم سقوط آغاز شده است و این بار بسیار فراگیرتر از قبل. در ۲۵ دی ماه ۱۳۸۷ روزنامه نیویورک تایمز، بزرگ‌ترین بانک آمریکا، سیتی‌گروپ، ۲۳ درصد کاهش یافت. بانک SBC، ۸ درصد ارزش خود را از دست داد. تحلیل‌گر گلدمن‌سکز ادعا کرد که «دیگر هم مردم و حتی حیوانات خانگی آن‌ها می‌دانند که امیدی به این بانک نیست».

سهام غول مخابرات آمریکا، ورنر، بیش از ۹۰ درصد کاهش یافت و این شرکت با ۱۳ میلیارد دلار بدهی ورشکست شد. سهام بنس در یک روز ۱۲ درصد ارزان شد. بانک‌های آلمانی سه ماه چهارم سال ۲۰۰۸ را با ۶/۳ میلیارد دلار ضرر به پایان رساندند. دلار استرالیا در سال ۲۰۰۸، ۳۵ درصد بی‌ارزش‌تر شد. قیمت خانه در هنگ‌کنگ ۴۸ درصد پایین آمد و به ده سال پیش از این تاریخ رسید.

این‌ها همه تنها بخش کوچکی از خبرهای ناامیدکننده اقتصادی هستند. بسته‌های جدید نجات اقتصادی در آمریکا ۸۵۰ میلیارد دلار، در آلمان ۶۵ میلیارد دلار و در انگلستان ۳۱ میلیارد دلار خرج برداشته است. در حالی که تنها چند ماه از تیز شدن بحران ۹۰۰ میلیارد دلار به اقتصاد کشورهای غربی گذشته است، با این وجود کسی امیدی به بهبودی اوضاع، دست‌کم در افق دو ساله ندارد. به‌راستی چه بر سر سرمایه‌داری آمده و نیروی گم‌شده‌اش کجاست؟

| ۲ |

پرفسور کلودشانون از آن اندیشمندان کمیابی بود که آرای روشنش دیدی ژرف‌تر به

دانش بشری بخشید. او که می‌توان مبتکر دانش انفورماتیک دانستش، به بازتعریف مفهوم اطلاعات پرداخته و پایه‌ای ریاضی برای آن ساخته که تمام علوم کامپیوتر و مخابرات و آی‌تی کنونی محصول آن است. یکی از مفاهیم اصلی او در تحلیل سیستم‌ها، «آنتروپی» است؛ کمیتی که میزان اطلاعات، انرژی یا بی‌نظمی یک سیستم را بنابر مصداق نشان می‌دهد. بر اساس نظریه‌ی اطلاعات شانون، سیستم‌های مجزا به سمت کاهش آنتروپی حرکت می‌کنند، به سمت توزیع هرچه بیشتر انرژی در میان اجزا، به سمت پخش شدن و به سمت بی‌نظمی. برای پایدار نگهداشتن نظم آن‌ها نیز نیرویی لازم است که آشفتگی را سامان دهد.

در آن مدرنیته، روزگار جزء‌گرایی و تخصص است. بیمار که می‌شوی، نزد پزشک متخصص می‌روی که فرضاً برای درمان بیماری معده دارویی می‌دهد، اما می‌گوید که این دارو عوارض جانبی دارد و فشار خون را بالا می‌برد و آن وقت شما را به متخصص قلب هم ارجاع می‌دهد. در هر داروی فشار خون می‌دهد، اما می‌گوید خواب‌آور است و می‌فرستد تا به مطب متخصص اعصاب. او هم به روانپزشک، او هم به متخصص تغذیه. انگار انسان دیگر یک مجموعه‌ی کامل نیست و پسته‌ای است از اعضای مجزا. پزشکان قدیم ایران، حکیمانی بودند که انسان را یک کل می‌دانستند و چقدر دستشان شفاف‌بخش بود. فرهنگ مسلط غرب بر فردگرایی انسان‌ها تأکیدی فراوان دارد. آدم‌ها تک‌تک محور هستند و راهکار تعالی هر کدام نسخه‌ای است نه فقط برای خود او مفید است. این‌جا هم البته عوارض جانبی هست؛ تعالی یکی، یعنی بیمار در چندتای دیگر. برای درمان چندتای دیگر هم راهکارهایی هست که خودشان عوارض جانبی بیشتری دارند. خانواده و جامعه هم دیگر همچون یک کل دیده نمی‌شوند. متخصصان فرهنگی و اقتصادی چقدر فاصله دارند با یک حکیم! قوانین شانون در جامعه‌ی بشری هم تدریجاً دارد. حرکت جوامع امروزی به سمت دور و دورتر شدن افراد آن است و به سمت فردگرایی مطلق و به سمت فاصله‌گذاری و به سمت فقط تویی که مهمی. نسخه‌های امروزی با کاهش آنتروپی جامعه به سمت صفر، به دنبال فاصله گرفتن از تنش‌ها هستند. آن نیروی بیرونی که آشفتگی جامعه را به سامان تبدیل می‌کند، گم‌شده‌ی مسلم لیبرال دموکراسی است. ما که روزی حکیمانمان دانش را به غربیان آموختند، آیا از یاد برده‌ایم و دیگر نمی‌شناسیم آن نیروی بیرونی را که شب‌ها به خاتمی ما گرمی می‌دهد و روزها زندگیمان را پر معنی می‌سازد؟

آخرین بار که ماه را تماشا کردید، کی بود؟ دیشب ایستادم کنار پنجره، سرم را بالا گرفتم و ماه را دیدم که تمام هم نبود. آسمان تهران را ابر نازکی گرفته بود. به گرد ماه هاله‌ای نشسته بود روشن و نه چندان وسیع.

زندگی بعضی آدم‌ها هم همین‌طور است. انگار هر کجا هستند، خیر وجودشان گروهی را روشن می‌کند، گروهی کوچک را شاید و همین بس نیست؟ گیرم ماه‌های کاملی هم نباشند، اما رو به روشن‌یند، و همان چند ستاره‌ی کوچک کنارشان را انگار فقط با زندگی صادق‌شان آتش می‌زنند و ماه می‌سازند از آن‌ها. آدم‌های اطراف تنها با نگاه کردن به زندگی که آن‌ها و به کار کردن آن‌ها، شاد می‌شوند از ته دل، نیرو می‌گیرند برای یک زندگی در دستر. غنی هستند که به فرموده‌ی امام علی علیه‌السلام، غنی آن کسی نیست که بیشتر دارد، آن کسی است که به کمتر احتیاج دارد. ما چقدر ثروتمندیم و نمی‌دانیم! کاش ما هم ماه بردیم، کاش نه ماه تمام.

مفاهیم روشن در فرهنگ ما کم نیستند. ماه که سهل است، چقدر خورشید در آسمان تاریخ ما روشن است و نمی‌بینیم. چقدر نیروی بیرونی بر ما می‌تابد و چشمانمان را بسته‌ایم تا گرم نشویم. کاش سراسیمه و خدائیت خداوند را درمی‌یافتیم. گام می‌نهادیم. سرعت می‌گرفتیم، و آن قدر می‌دویدیم تا به آن می‌رسیم که این نیروی لایزال، اگر هم بخواهیم، نمی‌گذارد بایستیم و خشک شویم. با این همه حرارت سیال که در جهانمان غوطه‌ور است، پنجره را بسته‌ایم و به گرمای کوچک اتاق تنه‌مان پناه برده‌ایم. کاش چشمانمان را می‌گشودیم.

امشب ماه را تماشا کن.